هُواللّه-ای دوستان معنوی و ياران حقيقی عبدالبهاء هر…

حضرت عبدالبهاء

اصلی فارسی



# هُواللّه

ای دوستان معنوی و ياران حقيقی[[1]](#footnote-1) عبدالبهاء هر چند آفت وبا جميع انحاء اقليم مقدس ايران را بزلزله و ولوله انداخت و آشوب و فتنه بر پا نمود و از اين جهة دل و جان آوارگان اسير اندوه و احزان شد و شب و روز بدرگاه يزدان عجز و نياز گشت که ای دانای راز هر چند گنه کاريم و تبه کار ولی بخشش يزدانی و عفو و غفران رحمانی مشروط بلياقت و استعداد انسانی نه. اين بلای ناگهانی را از کشور ايرانی مندفع فرما تا بندگان آسايش جان يابند و راحت وجدان جويند.

الحمدللّه که محض فضل و احسان اين بلای بی امان در مدتی قليله مندفع شد امّا در سائر جهان مدتی مديد امتداد يافت چنانکه چند سنه پيش در حوالی اين بقعه نوراء جز مدينه عکا از حجاز و مصر گرفته تا شام و بيروت و حماة و حمص و طرابلس و يافه و قدس و غيره دو سال اين بلا مستولی بود تا بعراق رسيد و از عراق بايران افتاد امّا سرعت اندفاع اين آفت از مملکت ايران از ميمنت نيّت مبارکه مرکز سلطنت عظماست چه که در ايام سلف مرض وبا در آن ديار افتاد و هفت سال امتداد يافت حال باين زودی زوال يافت و اين مجرد از نوايای مقدسه اعليحضرت شهرياری و معدلت حضرت صدارت پناهی بود و فی الحقيقه اعليحضرت تاجداری رعيّت پرور و مهربان است و جناب صدر محترم عادل و آزموده و باعزم و کاردان.

اين عبد از بدايت وزارت حضرت صدارت تا بحال ساکت بود تا بعد از فحص و تحقيق بيان نمايد فی الحقيقه بصرافت طبع و طيب خاطر در فکر راحت و آسايش عموم رعاياست. از خدا خواهم که اعليحضرت شهرياری را مؤيد و جناب صدارت پناهی را بتوفيقات عظيمه موفق فرمايد. از قرار مسموع رأی جهان آرای پادشاهی و حسن تدبير جناب صدارت عظمی تعلق بر آن گرفته که در هر شهری بجهت فصل دعوی و قطع مرافعه و احقاق حقوق عباد مرکزی مخصوص تعيين گردد و مرافعه حصر در آن مرکز شود اين قضيه بسيار مفيد است و سبب آسايش و راحت قريب و بعيد. اگر چنين گردد اسّ اساس مدنيت کبری که در سائر اقاليم بر پاست خيمه و خرگاه در ايران زند اين اول اصلاح مملکت است انشاء اللّه موفق بر اجراء گردند و نادانان دست از بيحيائی بر دارند و اطاعت و انقياد قوانين و احکام عادلانه نمايند

ای ياران الهی عبدالبهاء از جميع شماها راضی و نظر بتعلق شما بدرگاه احديت و تحقّق تامّ بمحبت حضرت رحمانيت مينمايد. امروز جميع ملل عالم برذائل عالم شيطانی آلوده و از فضائل جهان الهی بيزار و آزادند کل خونخوار و تيز چنگ و بی انصاف و بی درنگند ملاحظه نمائيد که در اقليم منشور يا چه حشر و نشوريست فاعتبروا يا اولی الابصار همه اين منازعات بر سر خاک است و عاقبت اين خاک نا پاک مانند ثعبان بی باک جميع افراد انسان را فرو برد. نفسی را باقی نگذارد و با وجود جور و جفا اين خاک سياه معشوق کل است و دلبر فتان آفاق چه بی فکريست و چه قدر نادانی که بجهت اين خاک تباه آفت جسم فتنه جان چنين جانفشانيها ميشود و خونها ريخته ميگردد و شهرها خراب ميشود و جان و مال بتالان و تاراج ميرود. چه بسيار پدر مهربان که بر قتل پسر آه و انين نمايد و بسا مادر که در ماتم فرزند سرشک رنگين ببارد چه بسيار اطفال معصوم يتيم و محزون گشته‌اند. و چه بسيار نساء که قرين و هم نشين محترم را در خاک و خون مشاهده کردند اين است نتيجه مدنيت امم و ملل عالم فاعتبروا يا اولی الابصار.

در ميان اين جمهور فرق عالم حزب اللّه را آرزو چنان که خدمتی بعالم انسانی نمايند و اين غوائل را بقوت برهان و تاييد يزدان و همّت بی پايان بلکه انشاءاللّه زائل کنند علی العجاله نيت حزب مظلوم خير است و عزم جزم تا توفيقات الهيه چه کند و تاييدات رحمانيه چه نمايد و اللّه يؤيّد من يشاء علی ما يشاء و انّه لعلی کلّ شئی قدير. ع ع



1. ط احبّای الهی علیهم بهآءاللّه الابهی [↑](#footnote-ref-1)